



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: اعمام و احوال/طبقه سوم

تقسیمات طبقه سوم ارث یعنی اعمام و عمامات که از طرف پدر با میت مرتبط هستند و احوال و خالات که از طرف مادر با میت مرتبط هستند به این صورت می باشد:

- ۱- عم أبوینی، ۲- عم أبی، ۳- عم أُمی
- ۴- عمه أبوینی، ۵- عمه أبی، ۶- عمه أُمی
- ۷- دایی أبوینی، ۸- دایی أبی، ۹- دایی أُمی
- ۱۰- خاله أبوینی، ۱۱- خاله أبی، ۱۲- خاله أُمی.

فقهاء ما در اینجا بحثهای فراوانی کرده اند البته مسئله خیلی مبتلی به نیست چون ظاهراً خیلی کم پیدا می شود شخصی از دنیا رفته باشد و این ۱۲ صورت را داشته باشد در عین حال چند نکته قابل ذکر است؛ اول در مورد چگونگی تقسیم بین اینها می باشد روایاتی خواندیم که بین اعمام و احوال فرق گذاشته بود و گفته بود به طرف اعمام دو سوم و به طرف احوال یک سوم داده شود و همچنین در اول سوره نساء در مورد کلاله أُمی خواندیم که اگر یک نفر بود سدس می برد و اگر بیشتر بودند مرد و زن "شركاء فی الثلث" و در آخر سوره نساء نیز خواندیم که کلاله أبوینی "للذکر مثل حظ الأنثیین" ارث می برند. دوم اینکه اصل اولیه در مالی که مورد اشتراک است آن است که بالسویه تقسیم شود إلا ما خرج بالدلیل و نوعاً فقهاء ما به همین اصل تکیه کرده و فرمودند باید بین مذکر و مؤنث بالسویه تقسیم شود. سوم اینکه در باب ارث

بین زن و مرد فرق وجود دارد "للذکر مثل حظ الأنثیین" لذا نمی شود بالسویه تقسیم کرد، چهارم اینکه در این مسئله اجماع وجود ندارد و اگر باشد اجماع مدرکی است که حجت نیست و اما صاحب جواهر به شهرت تکیه می کند منتهی در اینجا شهرت فتواییه وجود دارد که حجت نیست، آیت الله خوئی می فرماید در تمام صور بالسویه تقسیم می شود ولی امام رضوان الله علیه فرق قائل شده و فرموده در جائی که أبوینی یا أُمی باشند "للذکر مثل حظ الأنثیین" است و اگر أُمی باشند بالسویه تقسیم می شود، علی أی حال چون مسئله خیلی مبتلی به نیست لذا بیشتر از این مقدار نیاز به بحث ندارد.

خب و اما مسئله دیگری که در ارث وجود دارد بحث میراث مجوس می باشد، اهل بیت علیهم السلام فرمودند: "الزموهم بما الزموا به انفسهم" یعنی هر فرقه ای به شما مراجعه کردند باید به فرهنگ و اعتقادات آنها آگاه باشید و طبق همان قضاوت و حکم کنید.

محقق در شرایع در این رابطه اینطور فرموده: «الفصل الرابع فی میراث المجوسی:

المجوسی قد ینکح المحرمات بشبهة دینه فیحصل له النسب الصحیح و الفاسد و السبب الصحیح و الفاسد.

و نعني بالفاسد ما يكون عن نکاح محرم عندنا لا عندهم كما إذا نکح أمه فأولدها ولدا فنسب الولد فاسد و سبب زوجيتها فاسد.^۱

خب و اما در اینجا روایاتی داریم که اول باید آنها را بخوانیم و مورد توجه قرار بدهیم تا مطلب روشن شود، صاحب وسائل در صفحه ۵۹۶ از جلد ۱۷ وسائل

^۱ شرایع الاسلام، محقق حلی، ج ۴، ص ۴۶، ط اسماعیلیان.

۲۰ جلدی ابوابی را تحت عنوان ابواب میراث المجوس منعقد کرده که عنوان باب اول این است: «باب ۱: انهم یرثون بالسبب والنسب الصحیحین والفسادین فی الاسلام».

خبر اول: ﴿محمد بن الحسن باسناده عن محمد بن أحمد بن یحیی، عن بنان بن محمد عن أبیه، عن ابن المغیره، عن السکونی، عن جعفر، عن أبیه علیهما السلام أنه کان یورث المجوسی إذا تزوج بأمه و بإبنته من وجهین: من وجه أنها أمه، و وجه أنها زوجته.

ورواه الصدوق باسناده عن السکونی.﴾^۲

شیخ طوسی از طبقه ۱۲ خبر را از کتاب محمد بن احمد بن یحیی که از طبقه ۷ است نقل کرده و طریق شیخ به او صحیح می باشد، عن بنان بن محمد که نه تنها ثقة نیست بلکه مذموم است منتهی چون فقهاء ما به خبر عمل کرده اند حجت است و ما نیز عمل می کنیم، عن أبیه، عن ابن مغیره که عبد الله بن مغیره است و بسیار عالی مقام و جلیل القدر است و نجاشی و کشی در مورد او می گویند کوفی ثقة ثقة لا یعدل به أحد من جلالته و ورعه و دینه و ۳۰ کتاب تالیف کرده و از فقهاء روات و از اصحاب امام کاظم و امام رضا علیهما السلام می باشد و آیت الله خوئی در معجم رجال حدیث و همچنین بنده در کتاب رجالی که دارم نوشته ام که نامش در ۵۲۱ سند واقع شده است، عن سکونی که از عامه است ولی فقهاء ما به کتاب او عمل می کردند.

خبر دوم: ﴿ألا تری إلی ما روی أن رجلا سب مجوسیا بحضرة أبی عبد الله علیه السلام فزیره ونهاه

عن ذلك، فقال: إنه تزوج بأمه فقال: أما علمت أن ذلك عندهم النکاح.﴾^۳

خبر سوم: ﴿عبد الله بن جعفر فی (قرب الإسناد) عن السندي بن محمد، عن أبی البختري، عن جعفر، عن أبیه، عن علي علیهم السلام أنه کان یورث المجوس إذا أسلموا من وجهین بالنسب ولا یورث علی النکاح.﴾^۴

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

^۳ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۹۶، ابواب میراث المجوس، باب ۱، حدیث ۲، ط الإسلامیة.

^۴ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۹۷، ابواب میراث المجوس، باب ۱، حدیث ۴، ط الإسلامیة.

^۲ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۵۹۶، ابواب میراث المجوس، باب ۱، حدیث ۱، ط الإسلامیة.